



حضور زنان و رشد اجتماعی سخنرانی حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على فاطمه و ابيها و بعلمها و بنيتها و سر المستودع فيها . ميلاد با سعادت كوثر هستي ، هديه بي همتاي خدای منان به بنده خوب و برجسته خود حضرت محمد مصطفی (ص) صديقه طاهره فاطمه زهرا (س) ، آفتاب درخشان آسمان فضيلت ، معنويت ، تعهد ، آگاهی و پیشوای زنان عالم بلکه همه انسان ها در همه جای تاریخ و همه جای زمین بر شما زنان بزرگوار که نوعاً متبرک به برکت آشنایی با قرآن هستید مبارک باد و بر همه مردم شريف ايران ، همه مردان و زنان آزاده و حق طلب عالم .

در باره زن سخن زیاد گفته شده است ، ستم هم زیاد شده است . فضيلت زن نه در محبوس ماندن در چهار ديواری خانه و محروم ماندن از حضور در عرصه اجتماع و سرنوشت است نه در رها شدن از همه قيدهای اخلاقی و معنوی و عقلی . مهم اين است که زن بتواند آزاد توانا به عنوان یک انسان انتخاب کند . اما اين انتخاب او مانع از حضور او در عرصه اجتماع و سرنوشت نباشد . بارها عرض کردم و اينجا تکرار می کنم

که رشد، یک امر اجتماعی است. آدمی در عرصهٔ اجتماع و در تعامل با دیگران رشد پیدا می‌کند؛ رشد عاطفی، رشد عقلانی و حتی رشد دینی و معنوی. این رشد باید در مورد زن تأمین بشود چه در خانه، چه در کارخانه، چه در کارگاه، چه در سر کلاس درس و چه در سمت مدیریت جامعه هر چه می‌کند و هر چه بر می‌گزیند باید زمینه‌ساز تأمین این رشد باشد، و این رشد تأمین نمی‌شود مگر این که زن در اجتماع حضوری فعال و مؤثر داشته باشد و در صحنهٔ اجتماع باشد. ثانیاً این حضور و رشد به هیچ وجه نباید به جایگاه منحصر به فرد و ممتاز زن که محور همبستگی عاطفی خانواده است و نیز به نقش بی‌همتای مادری او لطمه بزند. جمع بین این امور و حفظ آن نقش ممتازی که زن دارد از هیچ کس جز زن بر نمی‌آید. جمع بین نقشی که زن در پیوند اجتماعی، همبستگی اجتماعی و تربیت جامعه به عنوان مادر و همسر دارد، با اجتماعی بودن و رشد اجتماعی کردن، مسألهٔ مهمی است. بخصوص که ما در این مرحلهٔ حساس حیات اجتماعی مان باید به آن پردازیم و بیش از همه خود زنان اندیشمند و متفکر و متعهد هستند که باید این نقش‌ها را به درستی تعریف کنند و به مسئولان هم عرضه بدارند تا بتوانیم زمینه‌های تحقق آن را فراهم کنیم.

تاریخ زندگی زن پر از ستمهاست اما باید متوجه باشیم که جایگزین کردن یک ستم بجای یک ستم دیگر خدمت به زن نیست. از ستم‌های بزرگ به زنان، که ریشه در طول تاریخ دارد و بسیاری از ستمها و مشکلات از آن ناشی شده است، نگاه مرد سالارانه و مذکر به زندگی و هستی و تاریخ است. از یک طرف با این نگاه زن به عنوان جنس دوم و موجود فرعی، موجودی که بخاطر نر آفریده شده است و زندگی او تابع کاملی از زندگی مرد است، تلقی می‌شود و انواع ستم‌هایی که در طول تاریخ بر زنان شده است از این دیدگاه ناشی می‌شود. متأسفانه غلبهٔ دید مذکر و مرد سالارانه به هستی، زندگی و اجتماع سبب شده است که حتی به نام آزادی زن نیز ستم بر زن شود. این نگاه مرد سالارانه است که ملاک فضیلت را مرد بودن می‌داند و دیدهای فمینیستی موجود امروز - لا اقل در بعضی شاخه‌هایش - تمام تلاشش این است که برای دفاع از زن، زن را به جای مرد بگذارد. این دید مرد سالارانه، چه به صورت سنتی و ستم باری که در طول تاریخ وجود داشته و چه امروز که به صورت جنبش‌های مدرنی عرضه می‌شود، ملاک فضیلت را مرد بودن می‌داند. و زن باید تشبیه به مرد پیدا کند تا پیشرفته

باشد و به حقوق خود برسد. این دید را باید عوض کرد و باید به این نقطه رسید که زن، زن است و مرد، مرد، و هر دو انسان. این دیدگاهی است که باید ما - که در موقعیت تحول و گذار هستیم - به آن توجه کنیم، و در عین حال باید زمینه‌های رشد را از هر جهت برای زنان مان باز بگذاریم. باید متوجه خطری که هم در گذشته و هم در حال با آن رو به رو بوده و هستیم، باشیم. خطر بینش غلط به هستی، بینش غلط به انسان، برداشت غلط درباره ملاک فضیلت، ملاک انسان بودن - که هر کس مردتر است انسان‌تر است - این دید را باید عوض کنیم. کار، کار بسیار دشواری است و ما متأسفانه همیشه در میان دو مرز افراط و تفریط گرفتار بوده‌ایم؛ یا نگاه ابزاری به زن می‌کنیم به صورت قدیمش و یا نگاه ابزاری به زن به صورت جدیدش و از زن می‌خواهیم، برای این که هویت خود و شخصیت خود را رشد بدهد تشبّه به مرد پیدا کند.

البته ما علاوه بر این که در یک مرحله گذار تاریخی هستیم، یک حساسیت ویژه‌ای هم جامعه ما پیدا کرده و آن این که انقلاب ما انقلاب دینی است و امروز نظام ما نظام دینی است و ادعای این دارد که می‌خواهد نظامی سازگار با موازین اسلامی و دینی در جامعه داشته باشد. پیدا کردن جایگاه زن، مرد و سایر اجزای جامعه در جامعه کار دشواریست. به نظر من مهم‌ترین وظیفه به عهده متفکران و اندیشمندان شایسته دینی است. درک زمان و مکان که امام آن قدر روی آن تکیه داشتند، از جمله در این مورد بسیار جا دارد. امروزه به طور طبیعی تحولاتی در جامعه بشری ایجاد شده است که جامعه ما مصون از آن نبوده و نمی‌تواند هم باشد. این تحولات هم در زنان، هم در مردان ما، بینش‌ها، مطالبات و برداشت‌های خاصی از کارکرد نقش زن در پهنه زندگی و جهان ایجاد کرده است و کاملاً فضا و موضوع و زمینه را با گذشته متفاوت کرده است. ما باید این تحولات و تغییرات را به عنوان یک واقعیت درک کنیم و بر نقش زمان و مکان - که مورد تأکید امام بود - در فهم مسایل و موضوعات توجه داشته باشیم. و با حفظ موازین و معیارهای خودمان از آنها استفاده کنیم. ما نباید تابع تغییرات زمانه باشیم؛ یعنی منتظر نباشیم تا جو زمان ما را وادار کند که یک رفتار انفعالی از خود نشان دهیم. امروز جامعه زنان ما، که روز بروز دارای تحصیلات بالاتری می‌شوند، به درک اجتماعی بالاتری می‌رسند. خود باوری بیشتری پیدا می‌کنند و طبعاً دیدگاهشان، بینش‌شان، مطالباتشان با زنان گذشته فرق می‌کند. اجتهاد پویا و روزآمد، با حفظ

معیارها و روش های پایدار، در بینش و معارف اسلامی داشته باشیم. ما می توانیم بدون این که لطمه ای به روح اسلام وارد شود و در عین وفاداری به چهار چوب اسلامی با اجتهاد زنده به بینش تازه ای نسبت به جهان برسیم و بسیاری از این مطالبات را بر آورده کنیم. امروز ما به این اجتهاد پویا، بیش از هر زمان دیگر نیاز داریم.

یک اصل بسیار مهمی که در تئوری حکومتی امام وجود دارد و از جمله کاربردهاش می تواند در همین زمینه ها باشد، نقش «مصلحت» در حکومت اسلامی است. اگر در جایی مصلحت جامعه با بعضی احکام شرعی فرعی تزاخم پیدا کرد حاکم اسلامی می تواند، مصلحت جامعه را بر آن فرع فقهی ترجیح دهد. اجتهاد پویا و رعایت اصل مصلحت راهکاری است که می تواند - و باید - جامعه ما را از بحران های احتمالی که با آن روبرو خواهد شد نجات دهد. از طرف دیگر آزموده را آزمودن خطاست. تحول در زندگی زنان و مردان ما به معنی الگو برداری از آنچه که دیگران تجربه کرده اند نیست. از تجربه دیگران باید استفاده کرد، شاید دست آوردهایی هم داشته باشد که برای ما هم مفید است، اما با مشکلاتی که خود غرب هم با آن روبرو شده است حداقل ما دیگر نباید از جایی شروع کنیم که غرب دویست سال پیش شروع کرده و حالا به آنجا رسیده است. این دویست سال را حتماً باید مورد لحاظ قرار دهیم و اگر دست آوردهای خوبی هم داشته باشد - که بعضی از آنها در جامعه ما وجود دارد - آنها را مورد توجه قرار بدهیم، اما الگو برداری از دیگران با چشم بسته و بدون لحاظ معیارهای دینی، فرهنگی و ملی بسیار کار خطرناکی است و حداقل نشانه بی تدبیری و عقب بودن از زمان و تدبیر است. زنان ما باید در عین حفظ معیارهای دینی و فرهنگی خود، آمادگی حضور بیشتر در عرصه اجتماع و انجام فعالیت ها و مسئولیت های جدید را داشته باشند. امروز در جامعه ما زنان، جایگاه بالایی دارند اگر چه هنوز نقص ها و عیب های فراوانی وجود دارد. امروز دیگر هیچ کس تردید نمی کند که زن می تواند انتخاب کند و انتخاب شود و در مدیریت های کلان حضور داشته باشد. و این عمدتاً علاوه بر تحولاتی که در زمان ایجاد شده مرهون روشن بینی حضرت امام، و شجاعت امام در بیان نظریات در برابر شیوه ها و عادت ها و سنت ها بود. تا چهل، پنجاه سال پیش نظر غالب این بود که زن حق رأی دادن ندارد و هنوز هم در بسیاری از کشورهای اسلامی زن حق رأی دادن ندارد.



پس ممکن است با حفظ روح اسلام این تحول را ایجاد کرد. آنچه که تغییر می‌کند اسلام نیست بلکه شناخت و بینش ما و شناخت موضوعات جدید و عرضه آن به اسلام و قرآن و گرفتن جواب متناسب با آنچه که واقعاً هست و مسأله هست، خواهد بود. قرآن فرازمانی و فرامکانی است. جوهر اسلام مقدس است. آنچه تغییر می‌کند ما هستیم و باید این تغییر و تحول را بفهمیم و آن را عرضه کنیم به منابع فکری و فقه اسلامی و جواب آن را بگیریم. اگر در جهانی که تغییر و تحول یافته، ما تغییر نکنیم و بخواهیم برخی امور رسوب کرده و فسیل شده‌ای را که زمان آن گذشته، به نام اسلام تحمیل بر جامعه کنیم، آن که زیان می‌کند اسلام است. جامعه تغییر می‌کند و ما هم باید خود را با این تغییرات مطابقت دهیم. این تغییرات را به روح بی‌تغییر قرآن و روح ثابت ارزش‌های اسلامی عرضه کنیم و جواب خود را بگیریم. چرا که اسلام و قرآن مال همه زمانها و همه مکانهاست. قرآن فقط جواب جامعه قبیله‌ای و عشیره‌ای را نخواهد داد بلکه جوابگوی جوامع مدرن هم خواهد بود، به شرط این که مسائل جامعه مدرن را درست بشناسیم و از طریق درست آنها را عرضه کنیم و جواب بگیریم.

نکته دیگر - این نکته شاهدهی است بر این که رشد یک امر اجتماعی است - اینکه ما در طول تاریخ اسلام در مقابل انبوه آثار فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، کم‌تر به آثار زنان بر می‌خوریم بخصوص در امور دینی و علوم دینی. در اعصار گذشته زنان گاهی همچون تک ستاره‌ای درخشان در آسمان تاریخ و تمدن اسلامی درخشیده‌اند ولی بسیار نادر بوده‌اند. اما در یکی دو قرن اخیر و بخصوص طی دهه‌های گذشته شاهد افزایش روز افزون کمی و کیفی آثار برجسته زنان در همه رشته‌های علمی، از جمله تفسیر و تحقیقات قرآنی هستیم. در عرصه‌های علمی، مدیریتی، و فرهنگی نیز شاهد حضور مؤثر و فعال زنان هستیم. تعداد و کیفیت آثار یک دهه اخیر زنان برابری می‌کند با همه آثاری که در طول ۱۴۰۰ سال آفریده‌اند؛ و این نشانی از مشارکت و حضور زنان در عرصه‌های مختلف است. بینش سنتی ما به زن می‌گوید در خانه بنشین و هیچ فعالیت اجتماعی نکن. از طرف دیگر زنان می‌خواهند در رقابت با مردان در خلق آثار و توانایی‌ها برابری کنند، این امکان ندارد. باید شرایط مناسب و مساعد و مساوی فراهم شود تا ببینیم که زنان هم شایسته هستند یا نیستند. زنی که از تحصیل برقراری روابط اجتماعی و تمرین مدیریت اجتماعی محروم بوده است، واضح است

که در مقایسه با مردانی که همه این امکانات را در دست دارند ناموفق ترند؛ در چنین شرایطی فقط، بعضی نوابغ و استثناها هستند که در تاریخ بروز و ظهور می کنند، اما به محض این که فضای مناسب برای مشارکت زنان بیشتر شود روند خلاقیت ها و شایستگی های زنان هم بیشتر می شود.

در خیلی از جاها زنان ما پایه پای مردان شایستگی های خودشان را نشان می دهند و بدون هیچ گونه مبالغه، در بعضی موارد زنان ما شایستگی های بیشتری از مردان از خود نشان می دهند. در بعضی از پژوهش های قرآنی که توسط خانم ها صورت گرفته کارهای علمی و فکری درخور را می توان مشاهده کرد. چون رشد یک امر اجتماعی است، پس هرچه مشارکت زنان در عرصه سرنوشت و حیات اجتماعی بیشتر باشد، زمینه رشد آنها فراهم تر خواهد شد و این را باید گرامی بداریم. البته برای ما مهم این است که الگو و معیارهای خاصی که متناسب با ارزش های ایرانی / اسلامی باشد، و در عین حال متناسب با نیازهای جامعه باشد، داشته باشیم و به آن برسیم.

امروز روز ولادت بانوی دو جهان و سرور همه انسان های با فضیلت تاریخ حضرت زهرا (س) است. فاطمه الگوی ماست و ما نیاز نداریم که از دیگران الگو بگیریم؛ مادری فداکار، همسری مهربان، معلمی سخت کوش، مربی پر حوصله، مؤمنی راستین، عارفی درد آشنا به مسائل اجتماعی و مدافع حقوق مردم و حقوق الهی، مبارزی استوار با انحراف های مختلف اجتماعی، و عالمة کم نظیر الهی. جمع اینها در تاریخ کم تحقق پیدا می کند. سراسر زندگی حضرت زهرا (س) درس است الگو. تنها نگاه کنید به همان خطبه ای که در مسجد مدینه خواند؛ یک دائرة المعارف است که بالبداهه بیان شده است. فاطمه زهرا (س)، زنی جوان با روحی منکسر و با آن مصیبت هایی که بعد از رحلت پیامبر دیده، در مسجد پیامبر خطبه ای با استدلال های قوی و بیان آتشین و بلاغت و فصاحت بی نظیر القا می کند. استدلال های محکم به بیش از سی آیه قرآن؛ دقیق و مستند. از محتوای خطبه پیداست که فاطمه (س) بر معارف و معانی قرآن و شرایط اجتماعی زمانه خود کاملاً آگاه است. او درد جامعه، دین، حرمت انسان، انحراف جامعه از حق و عدالت را دارد. این زهرا است و ما باید از او الگو بگیریم.

حضور جدی زنان صدر اسلام - در عرصه های مختلف - محصول فضا و جهت گیری اسلام درباره زنان می باشد. تحولات، یک شبه ایجاد نمی شود باید تلاش

کرد و به جهت گیری، روح و پیام اسلام نیز توجه داشت. در اوائل می بینیم که زمینه های مناسب برای رشد زنان و بروز شخصیت زنان پیدا شد اما متأسفانه با حاکمیت حکومت جور بر جامعه اسلامی، آن مسیری که اسلام باز کرده بود سد شد و هم بر مرد جامعه مسلمان ستم شد و هم بر زن.

زنان صدر اسلام در دانش پژوهی، تعلیم و تربیت، خدمات اجتماعی و خدمت رسانی به جنگ - که خشن ترین پدیده اجتماعی است - تا خط مقدم جبهه حضور جدی و مؤثر داشته اند. و گاه نقششان از نقش مردان خطرتر و تعیین کننده تر بوده است.

زینب (س) پیام حادثه کربلا را اعلام می کند، تا در تاریخ دفن نشود؛ حسین پیام می دهد و زینب پیام را می برد. عاشورا به همان اندازه که حسینی است، زینبی نیز هست. عاشورا حدوثش حسینی است و یقیناً بقاءش زینبی است. البته نقش حضرت امام سجاد (ع) نیز در جای خودش قابل تأمل و بررسی است. در عوالم شیخ صدوق هست که «ان زینب کان لها مجلساً فی بیتها ایام قامت ابیها فی کوفه و هی کان تفسر القرآن». این بانوی بزرگوار که کوه استقامت و صبر و پایداریست و در کربلا به آن گونه شخصیت اش را نشان می دهد، در زمان حکمرانی پدر بزرگوارش امیر المؤمنین (ع) یک عالم و مفسر قرآن است.

به از نقل بحار الانوار حضرت زهرا (س) تصدی کارهای سنگین را خودش انجام می داد. مدیریت و رسیدگی به فدک، تا قبل از این که بگیرند، به دست خود حضرت زهرا بود. کارگزار داشت و به حساب و کتابها می رسید. و اداره کارهای سنگین اجتماعی را به عهده می گرفت.

و ما امروز به یاد آن بانوی بزرگ و فرزندش حضرت امام در این جلسه گرد هم آمده ایم، برای تجلیل از زنان شایسته بخصوص که این شایستگی در عرصه قرآن و علوم قرآنی است که بسیار مبارک است و این باعث برکت برای زنان ما و جامعه ماست. من از همه عزیزانی که این کار بزرگ را کردند سپاسگزاری می کنم، از مؤسسه پر خیر و برکت فرهنگی امام رضا (ع) و همه دوستان و دستگاه هایی که در این امر کمک کردند. البته اصل فضیلت از شما خانم های عزیزی است که در این عرصه ها محور کارید و افتخار آفرینید. خدا یار و نگهدار همه شما باد. و خداوند دل همه ما را به نور قرآن منور بگرداند و ما را از هدایت قرآن و اهل بیت محروم نفرماید. و السلام علیکم و رحمة الله.